

## تحلیل چند خبر به نقل از جراید

سرنوشت ایران در تهران معلوم می‌گردد (از نطق شاه به مناسبت ۲۸ مرداد پیغام امروز شماره ۱۲۹۶) سرنوشت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و مآلا آینده و تاریخ این مملکت باراده خود ما و در خود این کشور تعیین می‌شود. (از نطق شاه در مراسم افتتاح سنا در تاریخ ۱۴ مهر ۴۳ - پیغام امروز شماره ۱۲۳۶).

روزنامه تایمز در دنباله مقاله خود می‌گوید: بحث واقعی در مقابل شاهنشاه اکنون این است که نگذارند این دسته‌های مخالف گوناگون اتحادی موثر و لو اینکه مصنوعی باشد تشکیل دهند و نیز مراقبت نمایند که اصلاحات فقط حرف نباشد - اگر باین کار توفیق یابند می‌توانند به پشتیبانی صادقانه قسمت اعظم افکار عمومی در ایران مستظهر باشند. بنابراین بر عهده دولتهاست که هم خد را باین جنبه از امور خاصه اصلاح اوضاع اقتصادی مملکت حتی بیش از جنبه صرفا سیاسی قضایا معطوف و مصروف بدارند. افکار عمومی در انگلستان و روی هم رفته متمایل بسوی شاهنشاه است....

(اطلاعات ۱۸/۷/۴۳ شماره ۱۱۲۱۴ - نقل از روزنامه تایمز پخش شده از رادیو لندن)

قبل از سلطنت پدرم ایران زیر زنجیر «کاپیتولاسیون» یعنی حاکمیت و استقلال قضائی بیگانگان... پدرم کاپیتولاسیون را لغا نمود. (نقل از کتاب مأموریت برای وطن نوشته شاه صفحه ۵۲ و ۱۰۷)

هنوز خاطره تلخ قیود مربوط به کاپیتولاسیون که پدرم آنرا الغاء نمود از بین نرفته...

(نقل از گفته‌های شاه در جلسه ۲۷ اردیبهشت ۴۳ هیئت دولت دیپلمات ۴۴۰)

شاید نمایندگان محترم بخاطر داشته باشند که چند ماه پیش لایحه‌ای برای اعضای مصونیت سیاسی بعده‌ای از مستشاران نظامی آمریکا که در خدمت ارتش ایران هستند اعطا شد.... بعد از اینکه دولت سابق این موافقت نامه را با دولت آمریکا طبق یادداشتی مبادله کرد لایحه مربوطه را تقدیم مجلس سنا نمود که پس از تشکیل این دولت قبلا این لایحه در کمیسیون‌های مجلس سنا به تصویب رسیده بود... و این اقدامات که شاهنشاه نظارت عالی بر آن دارند.

(نقل از جراید - نطق منصور در جلسه مجلس سنا ۱۰/۸/۴۳)

آیا ملت ایران می‌داند در این روزها در مجلس چه گذشت؟ می‌داند مجلس سند بردگی ملت ایران را امضا، کرد؟ اقرار به مستعمره ایران نمود؟ حیثیت دادگاهی ایران را پایمال کرد؟ ... بدون اطلاع ملت با چند جلسه صحبت‌های سری رأی مثبت داد... امروز که دولت‌های مستعمره یکی پس از دیگری با شهادت و شجاعت خود را از تحت فشار استعمار خارج می‌کنند و زنجیرهای اسارات را پاره می‌کنند مجلس مترقی ایران با ادعای سابقه تمدن دوهزار و پانصد ساله با لاف به هم ردیف بودن با ممالک مترقیه به ننگین‌ترین و موهن‌ترین و عقب افتاده‌ترین ملل به عالم معرفی می‌کند... با آرامش و با شعارهای حساس مخالفت خود را به ملتهای دنیا برسانید.

(از اعلامیه آقای خمینی که بمناسبت مخالفت با قانون کاپیتولاسیون منتشر شد.)

باید بگویم دلیل‌ترین اقوام جهان مردمی هستند که کوچه‌های کشورشان میدان تاخت و تاز بیگانگان قرار گیرد!! راستی چه سست عنصر مردمی که شما بوده اید. آنقدر بار (وظیفه) را به بهانه‌های شرم آور از شانه برانداخته و از بند (مسئولیت) گریخته‌اند که روزگارتان بدینگونه ننگین و سیاه شده است....

من از اینکه آنان (دشمنان و خیانتکاران) در اعمال باطل و زشت خود نیکو جدیت نشان می‌دهند متأثر نیستم بلکه بی حسی و سکوت شما در عدم تعقیب حق و دفاع از حقوق و ملیت دلمرا مالامال خون کرده است...

از نهج البلاغه - علی علیه السلام

ما فساد را در هر جا که باشد و از هر طریق که لازم باشد ریشه کن می‌کنیم و لو اینکه برای رسیدن به هدف احتیاج به جراحیهای عمیق باشد و اینکار خواهد شد.

(نقل از جراید - نطق شاه در سلام روز ۴ آبان ۴۳)

از هر دری سخنی - نوشته دکتر سیف پور فاطمی - استاد دانشگاه

هریسون سالز بوری مخبر نیویورک تایمز چندی پیش با شاه ایران مصاحبه کرد و شاه ضمن شکایت از مطبوعات خارجی که رژیم او را رژیم فاسد می خوانند بهریسون سالزبوری می گوید:

و من خیلی ممنون می شوم اگر مردم بمن بگویند که کی در ایران فاسد است.

این بیانیه شاهانه ما را بیاد لطیفه ای می اندازد که از قول ولتر فیلسوف فرانسوی نقل شده است:

..... معروف است که روزی در دربار لوئی شانزدهم جلسه ای تشکیل شده و کلیه درباریان در حضور شاه فرانسه در اطراف صرغه جوئی در بودجه کشور بحث می کردند یکی از وزرا پیشنهاد کرد که راه اصلاح کار فرانسه این است که کلیه مستمریها را قطع کرده و اسبهای زائد دربار و ارتش را فروخت. دیگری راجع بازدیاد مالیات صحبت می کرد... ولتر که می دانست همه دروغ می گویند و از این اراجیف به تنگ آمده بود رو به شاه کرد و گفت اعلیحضرت من نه عالم اقتصاد و نه عضو دربار...

حالا می گوئیم که تمام این حرفها شایعه ایست که دشمنان تخت و تاج منتشر ساخته اند ممکنست ذات ملوکانه برای از بین رفتن این شایعات سرمشق برای مردم شده و طبق اعلامیه صورتی از دارائی و خرج و زندگانی خود را در ظرف بیست سال اخیر به مردم ایران بدهند؟...

اعلیحضرت شکایت دارند که چرا مردم ایران مانند مردم هندوستان یا مصر و اهالی برمه به رهبران خود احترام نمی گذارند و چرا ایرانی از مقام مقدس سلطنت ناراضی است و دنبال مخالفین ایشان می رود... آیا ذات ملوکانه خبر دارند که حقوق نهر و قائد هندوستان فقط ماهی سیصد. پنجاه دلار است و او از درآمد فروش کتابهایش امرار معاش می کند؟... او نه خود را قائد اعظم و گاو مقدس می داند و نه خزان را به دربار راه می دهد... او در هر محله معشوقه و مترسی ندارد و هر روز زنش را طلاق نمی دهد... آیا ایشان اطلاع دارند که فامیل ناصر رئیس جمهور مصر در یک عمارت پنج اطاقی زندگانی کرده و عبدالناصر حساب بانک ندارد و خواهر و برادرانش مصر را نمی چابند... آیا ایشان اطلاع دارند که «اونو» رئیس الوزرای برمه پس از هفت سال موقع خروج از عمارت نخست وزیری فقط دارای سه دست لباس بود و مابقی زندگانی اش را بین دو نفر از مستخدمین تقسیم کرد... آیا کسی بایشان گفته است که شما و فامیلتان سالی سی میلیون دلار به ملت ایران تمام می شوید و در مقابل ممکنست بفرمائید جز خرابی چه فایده ای برای مردم ایران دارید؟ «ما برای آنکه شاه دوستی خود را کاملا ثابت کنیم سعی می کنیم از این پس در جواب تقاضای ملوکانه مقامات فاسد کشور را به حضورشان معرفی کنیم تا اینکه شاهنشاه بفهمد که»:

همه از دست غیر می نالند سعدی از دست خویشتن فریاد

(باختر امروز - شماره ۲۰ سال دوم - ۲۹ اسفند ماه ۱۳۴۰)

نتیجه:..اما در صورتیکه شاه بر مردم دست ستم دراز کند چیزی نمی گذرد که کشور ویران می شود و دشمنان زبردست که تا آن روز در پشت حصار عدل سرگردان بوده یا رای تصدی نداشتند هم در این موقع بر آن توده هجوم آورده یکباره به حیات استقلال و ملیت کشوری خاتمه دهند. احکام الهی از برنامه زندگی آنها محو خواهد شد - نسل و نژاد آنان برق آسا رو به انحطاط خواهد رفت - مردان پاکدامن خانه نشین خواهند شد و عناصر رذل و نانچیب زمام توده را بدست خواهند گرفت و چنان در گرداب مصیبت و در عین حال نکبت و بدبختی فرو خواهند افتاد که همه چیز حتی خدا را فراموش خواهند کرد...

(از نهج البلاغه - علی علیه السلام)

خبر:

به قرار اطلاع ایرانیان مقیم عراق بعنوان اعتراض به تبعید آیت‌الله خمینی به سفارت ایران در بغداد حمله کرده و آنجا را آتش زده‌اند.

نیمه دوم آبان ۱۳۴۳

(تذکر) = متأسفانه تیتراژ متن اصلی سند کاملاً خوانا نبود ولی نحوه تنظیم و نشر مطالب این سند تشابه زیادی با سایر مجموعه‌های منتشر شده از «نهضت آزادی ایران» دارد از این رو به چاپ آن اقدام کردیم.